

تأملی نظری در باب گونه‌شناسی بنیادگرایی یهودی؛ غیرسیاسی ضدصهیونیسم و سیاسی صهیونیسم‌گرا

جلیل دارا^۱ - سید مهدی حسینی فائق^۲

دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲۶ - پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۲۸

چکیده

بنیادگرایی یهودی به عنوان گونه‌ای از انواع بنیادگرایی دینی در عین داشتن مشابهت با دیگر انواع بنیادگرایی، مقومات خاص خود را دارد. تفاسیر متفاوت از منابع دینی و تاریخی موجب شکل‌گیری نحله‌های مختلفی از بنیادگرایی یهودی شده که اگر بخواهیم شاخصی برای دسته‌بندی این گونه‌ها ارائه دهیم بهترین شاخص توجه به اصل "تبعید" یا "بازگشت" است. از منظر بنیادگرایان این که در دوران تبعید به سر می‌بریم یا دوران بازگشت، احکام و مقتضیات خاص خود را دارد و بر همین اساس سه گونه‌ی اصلی بنیادگرایی قابل ذکر است: بنیادگرایی منفعل، بنیادگرایی عملگرا و بنیادگرایان موعودباور. بنیادگرایان یهودی در عین تقسیم به نحله‌ها و گروه‌های مختلف، اهداف غایی یکسانی دارند و تفاوت گونه‌های یادشده، از حیث ابزار، روش و تشخیص ظرف زمانی و مکانی است. البته علاوه بر مولفه‌های درون دینی، هم‌سویی یا مخالفت با جریانات سیاسی، نقش آفرینی سیاست‌های رژیم صهیونیستی و نیز توجه به اتخاذ مواضع عمل‌گرایانه برخی از این گروه‌ها به خوبی می‌توان دسته‌بندی‌ها و چرایی برخی مواضع را در انواع مختلف بنیادگرایی تبیین کند.

واژگان کلیدی: بنیادگرایی، تبعید و بازگشت، بنیادگرایی منفعل، بنیادگرایی عملگرا، بنیادگرایی موعود باور

مقدمه

شناخت پدیده‌ای چند وجهی و پیچیده همچون بنیادگرایی و گونه‌شناسی و طبقه‌بندی گرایش‌های مختلف آن مستلزم واکاوی ریشه‌ها و خاستگاه‌های تاریخی و سیر تکون و تحول و نقاط عطف آن‌هاست؛ همچنان که این پدیده به عنوان یک بحث میان رشته‌ای، موضوع مطالعات علوم گوناگونی همچون علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روانشناسی و علوم تربیتی، اخلاق و علوم فرهنگ و ارتباطات هم بوده است. در دهه‌های اخیر مباحث مربوط به بنیادگرایی با انقلاب اسلامی ایران^۱، افزایش نقش اسلام سیاسی در غرب آسیا و جمهوری‌های تازه استقلال یافته شوروی، رسوایی‌های بنیادگرایان مسیحی در آمریکا^۲، ظهور جنبش‌هایی مانند گوش امونیم در اسرائیل، پیدایش جریان‌های افراطی و خشن در قالب گروه‌هایی مانند داعش بیش از پیش در کانون توجهات قرار گرفته است. در میان انواع بنیادگرایی‌ها، بنیادگرایی مسیحی از این باب مورد توجه قرار گرفته که اغلب پژوهش‌ها خاستگاه اولیه بنیادگرایی را در مسیحیت پروتستان آمریکا (در قرن ۱۹) می‌دانند. بنیادگرایی اسلامی نیز با توجه به اقدامات برخی گروه‌های افراط‌گرا، امروزه در کانون توجهات رسانه‌ای و پژوهشی قرار دارد.

اما بنیادگرایی یهودی آن چنان که باید، مورد بررسی قرار نگرفته است. دلایل زیادی برای این مطلب ذکر شده، از جمله این که زبان و منابع دینی آن کمتر شناخته شده است. علاوه بر این با توجه به دخالت و نقش آفرینی سیاست در پژوهش‌های مرتبط با بنیادگرایی یهودی در کنار برخی سوگیری‌های ارزشی (اعم از موافق و مخالف)، وثاقت علمی منابع را خدشه‌دار ساخته است. از همین رو شناخت بنیادگرایی یهودی به عنوان گونه‌ای از بنیادگرایی دینی ضرورت دارد زیرا در عین این که بررسی نظری آن اهمیت دارد، به عقیده برخی از صاحب‌نظران این گونه از بنیادگرایی در آینده رژیم صهیونیستی اسرائیل و منطقه غرب آسیا نقش جدی ایفا خواهد کرد.

در زمینه بنیادگرایی یهودی منابع تحقیقاتی از تنوع زیادی برخوردار نیستند و با این عنوان^۳ آثار زیادی در دسترس نیست. از جمله این منابع می‌توان به کتاب "بنیادگرایی یهودی در اسرائیل" تألیف "شاهاک و مزوینسکی" اشاره کرد که از جمله منابع قابل استناد محسوب شده

۱. هرچند که بحث بنیادگرایی (در دوره معاصر) ۱۹۲۱ مطرح شد اما دلالت ضمنی آن تا سال ۱۹۷۹ و انقلاب اسلامی ایران تقریباً نمود خاصی نداشت.

2. Televangelical Scandal
3. Jewish Fundamentalism

و با نگاهی انتقادی به بررسی بنیادگرایی یهودی پرداخته است. از جمله ویژگی‌های این اثر واکاوی دقیق و انتقادی بنیادگرایی یهودی در جامعه اسرائیل (و به طور خاص جریان‌های حاردیم، گوش آمونیم، حزب ملی مذهبی) است، اما با این وجود برخی داده‌ها و اطلاعات آن با توجه تاریخ تألیف کتاب (۲۰۰۴) و نیز ناپایداری سیاسی و اجتماعی اسرائیل به روز نیست. کتاب "برای زمین و خداوند: بنیادگرایی یهودی در اسرائیل" اثر لاستیک (۱۹۸۸)، نیز از جمله آثار مهم در این زمینه محسوب می‌شود. هر چند که در منبع یاد شده غلبه رویکرد تاریخی بر بررسی‌های نظری و سیاسی مشهود است اما با این وجود سیر شکل‌گیری و گسترش بنیادگرایی یهودی در آن به خوبی تبیین شده است. آثار یاد شده و منابع موجود، کمتر به تبیین ریشه‌های نظری اختلاف و چرایی تنوع در انواع بنیادگرایی یهودی پرداخته‌اند و عمدتاً ضمن بررسی‌های تاریخی، مصادیق بنیادگرایی و نمونه‌های عینی آن را مورد توجه قرار داده و از تحلیل نظری غفلت ورزیده‌اند. این پژوهش با توجه به برخی خلأهای تحقیقاتی به دنبال پاسخ به این پرسش هستند که چگونه می‌توان چرایی تنوع و اختلاف نظری میان انواع بنیادگرایی یهودی را تبیین کرد. بر همین اساس تلاش شده است تا ضمن معرفی گونه‌های مختلف بنیادگرایی یهودی، شواهدی را در جهت روشن کردن این فرضیه ارائه کرد که: نحله‌های مختلف بنیادگرایی متأثر از مولفه‌های درون دینی (تفسیر منابع مقدس و تشخیص ظرف زمانی و مکانی) و مولفه‌های برون دینی (تأثیرات سیاسی، اجتماعی و ساختاری رژیم صهیونیستی) شکل گرفته‌اند و مباحث نظری و عینی به صورت توأمان در شکل‌گیری و تحولات این انواع نقش داشته‌اند. با عنایت به تنوعات درونی بنیادگرایی، از رویکرد و روش تحلیل گفتمان (به عنوان روش و چارچوب نظری) استفاده و تلاش شده با گردآوری داده‌های پژوهش به صورت استقرایی از منابع کتابخانه‌ای (اعم از کتب و مقالات چاپی و اینترنتی) ارتباط منطقی میان مباحث نظری با یافته‌های مقاله برقرار شود.

چارچوب نظری و تعریف مفاهیم پژوهش

تعریف بنیادگرایی

تعریف دقیقی از بنیادگرایی ارائه نشده است. البته مفاهیم زیادی در علوم انسانی و علوم سیاسی وجود دارند که اجماع نظری در مورد تعریف آنها وجود ندارد. تکرر و تنوع در گونه

های مختلف بنیادگرایی، امکان ارائه یک تعریف جامع و مانع را دشوار ساخته اما در عین حال، مشابهت‌های حیرت‌انگیزی میان بنیادگرایان در جوامع مختلف به چشم می‌خورد. برای تعریف و تعیین حدود و ثغور این مفهوم؛ استفاده از دو روش "نمونه آرمانی" وبر و نیز "مشابهت‌های خانوادگی" ویتگنشتاین امکان‌پذیر است که با توجه به کثرت گونه‌های بنیادگرایی (و به طور خاص بنیادگرایی یهودی)، استفاده از "مشابهت‌های خانوادگی ویتگنشتاین" می‌تواند به پیشبرد بحث کمک کند. بنیادگرایی برگردانی است از اصطلاح انگلیسی Fundamentalism است که آن هم برگرفته از کلمه لاتینی Fundamentum به معنای شالوده و اساس است (هی‌وود، ۱۳۷۹: ۴۹۵). این واژه یا اصطلاح، برای نخستین بار در اوایل سده ۲۰ میلادی برای یک فرقه مذهبی مسیحی در ایالات متحده به کار برده شد. این فرقه در اواخر سده ۱۹م در محافظی محافظه کار از کلیسای پروتستان و از خلال انجیل‌گرایی^۱ در آمریکا نشأت گرفت و از بدنه پروتستان‌تیسیم جدا شد (Harris, 1998: 19) و به عنوان یک گروه افراطی رشد کرد (پاکتچی، ۱۳۹۰: ۴۳).

بنیادگرایی هر چند الزاما اختصاصی به مذهب ندارد و در زمینه‌های غیر دینی نیز امکان تحقق دارد اما بروز خارجی آن (بویژه در دوره معاصر) معمولاً با مفهوم مذهب گره خورده است و پیوند مستحکمی با پیروان ادیان بزرگ جهان اعم از یهودیت، مسیحیت، بودیسم و اسلام دارد. بنیادگرایی دینی؛ به دین معینی محدود نمی‌شود و از لحاظ جغرافیایی، پیروان و بسیج‌شوندگان تنوع بسیاری دارد و محدود به سن، جنس، طبقه و جایگاه اجتماعی خاصی نیست (Barker, 1999: 20) به نقل از (گل‌محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۸) و حتی در میان پیروان یک دین هم می‌توان گرایش‌های مختلف و اشکال متنوعی از بنیادگرایی را مشاهده کرد. در حقیقت هر جنبش بنیادگرا یک نمونه منحصر به فرد است و فهم آن باید در چارچوب تاریخی و فرهنگی خودش صورت پذیرد.^۲ بر همین اساس به نظر می‌رسد با توجه به تنوع و پیچیدگی‌های موجود، تعریف بنیادگرایی در قالب تلفیقی از ویژگی‌های اندیشه‌ای و سازمانی ممکن باشد. امروزه بنیادگرایان را می‌توان با خصایص زیر تعریف و شناسایی کرد:

۱- به پیوند ناگسستنی دین و سیاست اعتقاد دارند و نسبت به کم‌رنگ شدن نقش دین در

1. Evangelism

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

Munson, Henry (2014), Fundamentalism, in: <http://www.britannica.com/EBchecked/topic/1191955/fundamentalism>

جهان مدرن معترض هستند و به دنبال احیای نقش آفرینی دین در حوزه‌ی عمومی (اعم از سیاسی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی) هستند^۱ (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۷) و (هی وود، ۱۳۷۹: ۵۰۵). از منظر بنیادگرایان باید با رجوع به بنیادها نظم فرهنگی و اجتماعی درست، دوباره استوار گردد (Marti, 2007: 73).

۲- مخالفت با مدرنیسم و مظاهر آن یکی از مقومات اصلی بنیادگرایان است؛ تا آنجا که برخی (Emerson, 2006: 129) معتقدند بنیادگرایی بدون توجه به مدرنیته و یا خارج از مفهوم مدرنیته قابل شناسایی نیست. لارنس در کتاب "مدافعان خدا: خیزش بنیادگرایان علیه عصر مدرن"^۲ مدعی است که بنیادگرایی بیش از آن که به مباحث خداشناسی و توحیدی مربوط باشد در تقابل با مدرنیسم شکل گرفته است (Emerson, 2006: 132).

۳- به شدت در انتخاب منابع گزینش‌گر هستند، تا جایی که می‌توان گفت بنیادگرایان تنها به آن دسته از متون مقدس استناد می‌کنند که موید ایدئولوژی، روش و مسیرشان است (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۶: ۳۸).

۴- بنیادگرایی به جهان‌بینی دوگانه مبتنی بر خیر و شر، ظلمت و نور اعتقاد دارد و بر همین اساس جهان را برای پیروانش تفسیر می‌کند.^۳

۵- به عصمت کتاب مقدس اعتقاد دارند و با هرگونه نظریه‌ای که این عصمت را خدشه‌دار کند به مقابله برمی‌خیزند. زیرا متون مقدس را تنها منبع معنا می‌دانند (Salzman, 2008: 318) و اگر در عصمت و وحیانی بودن کتاب مقدس، تردیدی ایجاد شود، اساس باورها و اعتقاداتی که بر مبنای آن حاضر به فداکاری شده‌اند دچار تزلزل می‌شود و همین امر در نهایت باور پیروان را سست خواهد کرد (Almond et al, 2003: 96).

۶- بنیادگرایان با اعتقاد به این که قصد ریشه کن کردن شر را دارند حاضرند از هر ابزاری استفاده کنند تا جهان را از شر نجات دهند. از منظر آنان گاه در این مسیر استفاده از ابزارهای خشونت‌آمیز غیرقابل اجتناب است. نبرد واقعی در نظر بنیادگرایان، نبرد میان خدا، درستی و

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

Pedahzur, Ami and Leonard Weinberg (2005). *Religious Fundamentalism and Political Extremism*, London: Frank Cass.

2. *Defenders of God: The Fundamentalist Revolt Against the Modern Age* (1989)

۳. برای مطالعه بیشتر در این زمینه مراجعه شود به:

Graetz, Michael (2008). *Encyclopedia Judaica: Good & Evil*, in: [http:// www.jewishvirtuallibrary.org/good-evil](http://www.jewishvirtuallibrary.org/good-evil)

حقیقت با شیطان، نادرستی و گمراهی است (Juergensmeyer, 2003: 219).

۷- موعود باوری، هزاره‌گرایی و مفاهیمی از این دست که آینده‌ای روشن و آرمانی را برای پیروان به تصویر می‌کشد (موحدیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۶)، الهام بخش جنبش‌های بنیادگرا هستند. بنیادگرایان با استناد به بحث موعود، موفقیت‌ها و شکست‌های خود را توجیه می‌کنند و همواره امید را در دل پیروان خود زنده نگه می‌دارند.

۸- در جنبش‌های بنیادگرا رهبری کاریزماتیک از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. اعضای جنبش به دنیا از منظر و دریچه نگاه رهبرشان می‌نگرند و تنها، تفاسیر وی از رویدادها معتبر و موثق است. اعتقاد به پیروان به رهبرشان تا حدی است که حتی اگر تفاسیر و برداشت وی از منابع دینی، مخالف باورهای آنان-یا حتی اصول و عقاید دینی- باشد، بازهم مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

۹- در نظام تشکیلاتی بنیادگرایان، رعایت سلسله مراتب، الزامات رفتاری، گزینش و عضویت انتخابی به شدت رعایت می‌شود و در اغلب آنان زنان جایگاهی در تشکیلات ندارند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۶: ۵۱).

تحلیل گفتمان

با بهره‌گیری از مدل "مشابهت‌های خانوادگی ویتگنشتاین" تنها می‌توان تعریفی کلی از مفهوم بنیادگرایی ارائه داد و برای تحلیل تنوعات درونی آن باید از چارچوب نظری مناسب استفاده شود. از آن جایی که بنیادگرایی در شمای کلی، پدیده‌ای زمینه‌مند است و بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی قابل بررسی نبوده؛ با توجه به این که رابطه دانش و قدرت (و تأثیرگذاری قدرت بر شکل‌گیری دانش به روایت فوکو) پررنگ است، لذا برای تحلیل و تبیین بنیادگرایی می‌توان از روش تحلیل گفتمان^۱ استفاده کرد و بنیادگرایی را در یک چارچوب گفتمانی بررسی کرد. تحلیل گفتمان از آن جایی که ریشه در معنا کاوی دارد و قصد کشف معنای نهفته در پدیده‌های اجتماعی را دارد در بحث مذکور قابل استفاده است. از منظر تحلیل گفتمان، پدیده بنیادگرایی به عنوان نظامی اندیشه‌ای، فرهنگی و

۱. از نظریه و روش تحلیل گفتمان، بر اساس قرائت لاکلا و موفه می‌توان به عنوان یک قالب تحلیل و روش تئوریک بهره‌برداری نمود. در این نوشتار از «گفتمان» هم به مثابه روش و هم به مثابه چارچوب تئوریک بهره گرفته شده است.

اجتماعی قابل واکاوی است. گفتمان دارای کلیتی است که در گام نخست؛ خود بدان وابسته است. در داخل آن مجموعه عناصری وجود دارند که نه تنها به یکدیگر مرتبط هستند، بلکه کلیتی را می‌سازند که بدان متن یا گفتمان می‌گویند. دوم؛ متن یا گفتمان به مجموعه‌ای از عوامل بیرونی متکی است، این عوامل هم در پروسه تولید متن موثرند و هم در فرایند تفسیر. در واقع، جریان تولید و تفسیر با یکدیگر دارای کنش متقابل‌اند و در نتیجه تحت تأثیر هم هستند. سوم؛ بافت گفتمان و فرایند تفسیر آن متأثر از شرایط اجتماعی و وضعیت تاریخی خاص است (آسابرگر، ۱۳۷۹: ۳). به نظر می‌رسد با توجه به تنوعات درونی بنیادگرایی (مثلاً در بنیادگرایی اسلامی، مسیحی یا یهودی، شاهد گرایش‌های مختلف هستیم) استفاده از روش تحلیل گفتمان در عرصه درونی بنیادگرایی به واکاوی مفهومی، کمک بیشتری کند و می‌توان به توضیح این مطلب کمک کرد که در هر جریان بنیادگرا مفاهیم اساسی چگونه (و چرا) شکل گرفته است و چه تأثیر و تأثر متقابلی میان گفتمان (بنیادگرایی یهودی) و زمینه (ساختار سیاسی اجتماعی اسرائیل) وجود دارد. در تحلیل گفتمان از اهمیت ارتباط دو سویه و متقابل میان زمینه (بستر اجتماعی) و گفتمان بحث شده و این رابطه متقابل را گاه نوعی تأثیرگذاری و تأثیرپذیری متقابل نیز دانسته‌اند. این بحث تا حدی به بحث مربوط به رابطه ساختارها و تحولات اجتماعی-سیاسی شباهت دارد. به همان‌گونه که رابطه ساختارها با کارگزاران انسانی^۱ رابطه‌ای متقابل است، (گیدنز، ۱۳۸۲: ۱۱) میان گفتمان‌ها و فرایندهای اجتماعی نیز ارتباط متقابل به چشم می‌خورد.^۲ در مورد بنیادگرایی یهودی -در شکل مدرن- هر چند که محصول بستر اجتماعی سیاسی صهیونیسم است اما حداقل در چند دهه اخیر نتوانسته تأثیرات قابل ملاحظه‌ای بر فرایندهای سیاسی و اجتماعی داشته باشد و بیش از آن که گفتمان تأثیرگذاری-از حیث نظری و اجتماعی- باشد، به واسطه مولفه‌های عمل‌گرایانه تأثیر پذیرفته و خود را با نظام سیاسی تطبیق داده است. چنین تأثیرپذیری به طور خاص در بنیادگرایی عملگرا قابل مشاهده است که این ظرفیت‌های نظری را روش و نظریه تحلیل گفتمان می‌تواند تبیین کند که در ادامه به آن پرداخته شده است.

1. Agents

۲. با این همه، نمی‌توان تأثیرگذاری گفتمان‌ها را بر بستر فرایندهای اجتماعی-سیاسی با تأثیر کارگزاران انسانی بر ساختارهای اجتماعی-اقتصادی قابل مقایسه دانست.

بنیادگرایی یهودی

در بنیادگرایی یهودی مفاهیم سرزمین مقدس، قوم برگزیده و مسیحای نجات بخش، دقیق گفتمانی به شمار می‌روند که همگی ذیل مفهوم اصل "رستگاری"^۱ - به عنوان دال مرکزی - گرد هم آمده و شاخصی برای دسته‌بندی گونه‌های مختلف بنیادگرایی ارائه می‌دهند. از همین رو در ادامه بحث، ابتدا مقومات اصلی بنیادگرایی یهودی را ذکر کرده و پس از آن با عنایت به شاخص "رستگاری" گونه‌های مختلف بنیادگرایی یهودی را معرفی و دسته‌بندی خواهیم کرد.

مقومات بنیادگرایی یهودی

با نگاهی به تاریخ یهودیت، به نظر می‌رسد از حیث تاریخی و فکری شیرازه اصلی دین یهود و اصول حاکم بر انواع گرایش‌های یهودی، متأثر از ساختاری است که در نهایت با تدوین تلمود و رویارویی دین یهود با مسیحیت و اسلام، شکل گرفته است. تحولات جدید یهود در دوره کلاسیک و معاصر بر مبنای باورها و سنن دوران قبل تدوین و تفسیر شده و حتی جنبش‌های یهودی جدید که از لحاظ اعتقادی چندان تقیدی به دین یهودیت ندارند باز هم خود را به تاریخ و منابع مقدس منتسب می‌کنند. از همین رو مقومات اصلی بنیادگرایی یهودی از منابع تاریخی و دینی (که تفکیک آنها در دین یهودیت بسیار مشکل است) استخراج شده‌اند که در ادامه مورد بحث قرار خواهد گرفت.

الف - سرزمین مقدس

در آیین یهودیت و به طور خاص در بحث بنیادگرایی، سرزمین - که در مورد گستره آن اختلاف نظر وجود دارد - از تقدس خاصی برخوردار است و از آن به عناوین سرزمین مقدس، ارض موعود یا به عبری Eretz Yisrael یاد می‌شود. صرف نظر از تفاسیر معاصر، براساس منابع تاریخی و نیز تورات بحث سرزمین یک مفهوم کاملاً مذهبی در سنت یهودی به شمار می‌رود. با مراجعه به متن تورات مشاهده می‌شود که حدود ۱۷۰ عبارت (آیه) مستقیماً به سرزمین مقدس اشاره کرده‌اند. در یک دسته‌بندی کلی ویژگی‌ها و مختصات این سرزمین مقدس عبارتند از:

"این سرزمین بسیار حاصل‌خیز که در ابتدا متعلق به یهودیان نبوده، اما به صورت ازلی و

۱. تعابیر دیگری مانند نجات و بازگشت برای آن بکار رفته که از حیث معنایی تفاوت اساسی میان الفاظ یاد شده وجود ندارد.

ابدی، با مرزهای مشخص و با عنایت الهی به ابراهیم و نسل وی بخشیده شده است و در ضمن دستور تصرف آن نیز داده شده است.^۱

بر اساس منابع یهودی، با ورود قوم یهود به سرزمین موعود و استقرار نهادهای دینی سیاسی و ساخت معبد، به مرور زمان این سرزمین به ارض مقدس تبدیل می‌شود. به عبارتی در پرتو توجه به اصل سرزمین مقدس، قوم یهود همواره در تلاش و تکاپو برای رسیدن به آن و حفظ و گسترش آن بودند و این ایده موتور محرک قوم به شمار می‌رود (ژیلبراشتان، ۱۳۸۹: ۱۴۳).

ب- قوم برگزیده

در مورد عنوان "یهودی" بودن و تعلق به قوم یهود در میان نحله‌ها و گرایش‌های مختلف یهود (خصوصاً در اسرائیل) دیدگاه واحدی وجود ندارد. مشکل اصلی، رابطه پیچیده میان تعریف قومی و دینی یهودیت است. این ناسازگاری در تعاریف، با افزوده شدن مباحث سیاسی و برخی مصلحت‌اندیشی‌های دینی، سیاسی و قومی بیش از پیش پیچیده شده است. آیات زیادی در تورات به بحث "قوم برگزیده" پرداخته‌اند و بر اساس آیات، یهودیان خود را "قوم خدا" و "قوم برگزیده" می‌دانند و معتقدند خداوند عنایت خاص و همیشگی به این قوم داشته و دارد و قوم آنان را از میان تمام اقوام دیگر برگزیده است.^۲ البته بر اساس روایات تورات، حمایت الهی - با وجود مطلق بودن، - مشروط به اطاعت قوم از فرامین خداوند است و هرگاه یهودیان از عهد خود سرباز زده‌اند خداوند - در عین ابدی بودن حمایت از قوم - آنان را عقوبت فرموده است (Das, 1902: 44). باور این که یهودیان مردمان برگزیده یا قوم مقدسی هستند مورد قبول اکثریت فرق یهودیت ارتدوکس، محافظه‌کار و اصلاح‌طلب و حتی سکولار است و بر اساس پژوهش "موسسه اسرائیل دموکراسی"^۳ تقریباً دو سوم مردم یهودی اسرائیل معتقدند که یهودیان

۱. برای مطالعه بیشتر مراجعه فرمایید به: (کتاب آفرینش، ۱۲: ۷)؛ (کتاب خروج، ۶: ۴)؛ (کتاب لاویان، ۱۴: ۳۴)؛ (کتاب اعداد، ۱۱: ۱۲) و درخشه، جلال و حسینی فائق، سیدمحمد مهدی (۱۳۹۶). بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل، سرگردانی میان بازگشت و تبعید، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، صفحات ۱۰۳ تا ۱۰۵.

۲. در تورات، آیات زیر به نحوی به برگزیده بودن قوم یهود اشاره داشته‌اند: (کتاب خروج، ۱۹: ۵)؛ (کتاب تثنیه، ۱۴: ۲)؛ (کتاب تثنیه، ۲۶: ۱۹-۱۷)؛ (کتاب دوم سموئیل، ۷: ۲۴-۲۳)؛ (کتاب اول پادشاهان، ۸: ۵۳)؛ (کتاب اول پادشاهان، ۱۰: ۹)؛ (کتاب اول تواریخ، ۱۷: ۲۱-۲۰)؛ (کتاب مزامیر، ۱۳۵: ۴)؛ (کتاب ارمیا، ۳۱: ۴-۱)؛ (کتاب ارمیا، ۴۶: ۲۸-۲۷)؛ (کتاب حزقیال، ۳۶: ۲۴-۲۸)؛ (کتاب حزقیال، ۳۷: ۲۵-۲۱)؛ (کتاب یوئیل، ۳: ۲-۱)؛ (کتاب عاموس، ۳: ۲-۱)؛

قوم برگزیده هستند^۱. برخی خاخام‌های یهودی^۲ معتقدند باور به این اصل نباید موجب نژادپرستی یا پست دانستن سایر نژادها شود (Kohler, 2011: 45-46)، اما با این وجود اظهارات مبالغه آمیز درباره‌ی تقدس قوم و نیز برخی تفاسیر، زمینه را برای ترویج چنین دیدگاه‌هایی فراهم کرده است. به عنوان نمونه در میشنا آمده: چنانچه کسی یک فرد یهودی را بکشد یا نجات دهد در واقع کل بشریت را کشته یا نجات داده است (Mishnah Sanhedrin 4:5) به نقل از (Kohler, 2011: 46).

تأکید بنیادگرایی یهودی بر متفاوت بودن از سایر ملل، اقوام و ادیان، این گونه را متمایز از سایر انواع بنیادگرایی کرده است. از این منظر حتی بنیادگرایی یهودی در تقابل با برخی رویکردهای ایدئولوژی صهیونیسم کلاسیک قرار می‌گیرد. "عبدالوهاب المسیری" با نگاهی انتقادی به این اصل، معتقد است که انزوایی که در دوران دایاسپورا به وسیله جامعه میزبان بر یهودیان تحمیل شده بود، تبدیل به حس بیگانگی و عقده برتری طلبی عمیقی در میان یهودیان شود. شماری از عقاید و نظریات (از جمله برتری انسان یهودی) و مناسک و منسوب کردن خود به کشور یا خاستگاهی فرضی (صهیون-ارض اسرائیل) این حس را در میان آنان تقویت می‌کرد (المسیری، ۱۳۷۸: ۲۳).

پ- مسیحای نجات بخش

اعتقاد به ظهور منجی با همه تفاوت‌ها از جمله مشترکات ادیان الهی است. البته در جزئیات این اصل اختلاف نظر وجود دارد و منجی در هر دین مختصات و کارکردهای خود را دارد. در مورد اندیشه منجی‌باوری در بنیادگرایی یهود این نکته قابل ذکر است که این مفهوم در پیوند مستحکم با اصول "قوم برگزیده" و "سرزمین موعود" است؛ به طوری که در صورت حذف هر یک از اینها اساس اندیشه بنیادگرایی یهود خدشه‌دار می‌شود. بنیادگرایی یهودی در ارتباط با بحث ظهور منجی رویکردی بسیار عملگرا دارد و به خصوص پس از تشکیل رژیم اسرائیل بیش از آن که بر منابع دینی تأکید کند نگاهی عمدتاً قومی و سیاسی - اجتماعی داشته است. برخی معتقدند اندیشه موعود باوری در معنای امروزی^۳ در اندیشه‌ی یهود در تدوین نهایی عهد قدیم

1. http://en.idi.org.il/media/4256544/democracy_index_2015_eng.pdf

۲. از جمله این خاخامها می‌توان به Rabbi Meir اشاره کرد.

۳. امروزه تلفی از اندیشه مسیحایی یا موعودباوری، در ارتباط با مفاهیم مسیحایی و فرجام شناختی است که در دروه‌های اولیه تاریخ قوم یهود، چنین تعبیری از مفاهیم برداشت نمی‌شود.

اضافه شده‌اند (یتیس، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۰۷).

در دین یهود در ارتباط با بحث موعود باوری، امکان ارائه یک تعریف جامع، فراگیر و مقبول به جهت تاریخ طولانی و تنوع رهیافت‌ها غیرممکن است. گرایش به مسیحا باوری در تاریخ یهود در طیف متنوعی از جریانات یهودی ظهور و بروز داشته است. دو نظریه کلی در این باب وجود دارد: کسانی مانند موسی بن میمون اعتقاد به ظهور مسیحا را از اصول ایمان یهودی دانسته و برخی یهود شناسان معاصر این باور را پدید آمده از ناملازمات تاریخی و امری غیر جوهری - می‌دانند. مطالعه انتقادی تاریخ یهود تا حدودی موید نظریه دوم است. شاید به دلیل نقش پررنگ ساختار و بافت اجتماعی در ظهور این اندیشه، نظریه دوم مورد استقبال بیشتری قرار گرفته است. هرگاه قوم یهود در معرض ناملازمات قرار گرفته، اندیشه‌های نجات‌بخش، بیش از پیش رونق یافته و با برقراری ثبات نسبی، طرح این اندیشه کمتر مورد توجه قرار گرفته است (موحدیان و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۶).

گونه‌های مختلف بنیادگرایی یهودی

همان طور که پیش از این ذکر شد، بنیادگرایی یک کلیت یکپارچه نیست و دارای گرایش‌های مختلف است. گونه‌های مختلف بنیادگرایی بر سر اینکه قوم یهود، قوم برگزیده خداوند است و سرزمین موعود موهبت خداوند به قوم برگزیده خود است که با ظهور منجی استقرار و حاکمیت نهایی آنان محقق خواهد شد، تردیدی نداشته و معتقدند براساس تعالیم تورات و تلمود در سنت الهی خلف وعده وجود ندارد. در واقع، تشخیص زمان تحقق وعده و اراده الهی محل اختلاف است. براساس آن چه که در تورات از تاریخ قوم یهود روایت شده؛ تاریخ این قوم، همواره در تنش بین "تبعید" و "رستگاری" بوده است (Koller, 2014: 21) و تبعید خواست خداوند و کفاره گناهان قوم بوده و رستگاری هم پاداش و عاقبتی است که نصیب یهودیان (به عنوان قوم برگزیده خدا) خواهد شد.^۱ نیوزنر معتقد است مسأله حیاتی تبعید و بازگشت همواره در کانون توجه قوم بوده و تمام مسائل قوم یهود در پرتو این مسأله دیده می‌شود، پس "پیامش گرانقدر و پرمعناست" (نیوزنر، ۱۳۸۹: ۷۷).

۱. به عنوان نمونه در صحیفه نحمیا، باب ۱؛ در عبارات ۸ و ۹ اینطور آمده است: ۸ اینک سخنان خود را که به موسی فرمودی به یادآور: اگر گناه کنید شما را در میان امت‌ها پراکنده خواهم ساخت. ۹. اما اگر بسوی من بازگردید و از احکام من اطاعت کنید، حتی اگر در دورترین نقاط جهان به تبعید رفته باشید، شما را به اورشلیم بازخواهم گرداند. زیرا اورشلیم مکانی است که برای سکونت برگزیده‌ام. همچنین رجوع فرمایید به: (کتاب اشعیا، ۱۰: ۱۰-۵)؛ (کتاب ارمیا، ۳۱: ۱۰-۶) و (کتاب ارمیا، ۴۷: ۲۷) و (کتاب حزقیال، ۳۷: ۲۸-۲۱).

براساس تعالیم منابع مقدس یهودی و تفاسیر خاخامی، در هر یک از حالات تبعید یا رستگاری، تکالیف متفاوتی بر عهده یهودیان گذاشته شده که بی‌توجهی به هر یک از آنها تخلف از دستور الهی محسوب می‌شود (Zeidan, 2006: 226-228). لذا براساس این که شرایط فعلی را ادامه تبعید قوم یهود یا آغاز رستگاری آن بدانیم چند نحله، در درون جریان کلی بنیادگرایی یهودی شکل گرفته است. نحله‌های مذکور بر مبنای شاخص شرکت در فعالیت‌های سیاسی به دو گروه سیاسی و غیرسیاسی تفکیک می‌شوند. در هر یک از شاخه‌های یاد شده احزاب و جریانات رسمی و غیررسمی وجود دارند که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت.

بنیادگرایی یهودیت در تبعید

پس از تخریب معبد اورشلیم در سال ۷۰ میلادی، یهودیت خاخامی موضع صلح طلبی را اختیار کردند که هدف اصلی آن نجات مردم یهود بود. آنان معتقد بودند که تبعید، مشیت الهی بوده و به عنوان کفاره گناهان قوم بنی‌اسرائیل^۱ بر آنان تحمیل شده است^۲. بر مبنای این رویکرد و با توجه به عقوبت قلمداد کردن تبعید و پراکندگی قوم یهود، تنها راه نجات این قوم، ظهور منجی و مسیحای نجات بخش (از نسل داوود) است که به دست او قوم یهود در سرزمین موعود اسکان می‌یابد^۳. این فرایند باید براساس اراده الهی صورت پذیرد^۴ و هرگونه دخالت در امر خدا و تعجیل برای ظهور منجی گناه به شمار می‌رود. لذا یهودیان باید صبورانه منتظر فرا رسیدن چنین روزی باشند. در این زمان است که پادشاهی یهود، دوباره به این قوم بازگردانده می‌شود و رستگاری نهایی ایجاد می‌شود. از همین رو دخالت بشری در این فرایند رستگاری منع شده و تمام آرمان‌های ملی و سیاسی تا زمان ظهور منجی به تعویق افتاده‌اند. وظیفه یهودیان در تبعید،

۱. او [خداوند] برای مجازات اسرائیل، آنها را از سرزمینشان به دیار دور تبعید کرد، او این کار را کرد تا گناه قوم اسرائیل را کفاره کند (اشعیا، ۲۷: ۸-۹)

۲. اگر گناه کنید، شما را در میان امت‌ها پراکنده خواهم ساخت. اما اگر به سوی من بازگردید و از احکام من اطاعت کنید، حتی اگر در دورترین نقاط جهان به تبعید رفته باشید شما را به اورشلیم بازخواهم گرداند. زیرا اورشلیم، مکانی است که برای سکونت برگزیده ام (صحیفه نحما، ۱: ۸-۱۰). همچنین رجوع فرمایید به: (اشعیا، ۸: ۷-۸)؛ (اشعیا، ۹: ۸-۱۷)؛ (اشعیا، ۱۴: ۱-۲).

۳. اینک روزی فرا خواهد رسید که من شخص عادل را از نسل داوود به پادشاهی منصوب خواهم کرد؛ او پادشاهی خواهد بود که با حکمت و عدالت حکومت کرده و در سراسر دنیا عدالت را اجرا خواهد کرد. در آن زمان اسرائیل در صلح و آرامش زندگی خواهد کرد (ارمیا، ۲۳: ۵-۶).

۴. من ایشان را به سرزمینی که به پدرانشان داده ام بازخواهم گرداند (ارمیا، ۱۶: ۱۵).

کناره‌گیری از سیاست و توجه به امور روحانی و معنوی است. هرگونه تلاش و استفاده از ابزار سیاسی و نظامی برای پایان بخشیدن به دوران تبعید دخالت در اراده الهی محسوب می‌شود. در چنین شرایطی، اراده و خواست خدا بر این است که قوم یهود تحت سیطره غیر یهودیان قرار گیرند و به آنان نیز دستور داده شده که از قوانین غیر یهودی - حتی قوانینی که خلاف شریعت یهود است - اطاعت کنند. در این مورد تنها سه استثنا وجود دارد: انکار خدا، پرستش بت، فساد جنسی. در موارد یاد شده یهودیان باید به مطالعه تورات و عمل به دستورات آن بپردازند و با دوری گزیدن از غیر یهودیان و فرهنگ‌های بیگانه و گمراه، نجات قوم را تضمین کنند. براساس تفاسیر خاخامی علاوه بر الزامات یاد شده، یهودیان ملزم به رعایت سه اصل اساسی در شرایط تبعید هستند:

۱. نباید علیه غیر یهودیان شورش کنند؛

۲. پیش از ظهور منجی، مهاجرتشان به سرزمین مقدس منع شده است؛

۳. نباید اصرار بر دعا برای آمدن منجی پیش از موعد مقرر داشته باشند.

این نحله از بنیادگرایی یهودی به این مدل کهن، به عنوان استاندارد برای تعیین مشروعیت زندگی یهودی مدرن نگاه می‌کند و با هر گونه انحراف از این استاندارد مبارزه می‌کند. از این حیث، گفتمان صهیونیستی و رژیم اسرائیل به عنوان عوامل انحراف، محکوم هستند. در تبعید، بسیاری از قوانین مربوط به سرزمین موعود و معبد را نمی‌توان اجرا کرد. بزرگان دین می‌توانند تئوری‌های مربوط به قوانین پادشاهی آینده را تعیین کنند، اما این قوانین در طول تبعید که یهودیان در اقلیت هستند لازم الاجرا نیستند. بنابراین، تمامی قوانین هلاخایی در مورد پادشاهی یهودی بر روی زمین تا ظهور مسیح به تعویق می‌افتد (Zeydan, 2006: 225-228).

این مخالفت تا پس از تشکیل رژیم صهیونیستی ادامه داشت و اغلب گروه‌های حامی^۱ چنین عقیده‌ای داشتند و حتی در ابتدای تشکیل رژیم اسرائیل با تشکیل آن به عنوان "شورش در برابر فرامین الهی" مخالفت ورزیدند تا این که به تدریج تفاسیر خاخامی جدید ارائه شد. پس از

۱. یهودیان مذهبی در اسرائیل (که گاه داتییم نیز خوانده می‌شوند)، مشخصاً به گروه‌های متفاوتی تقسیم می‌شوند. یکی از این گروه‌ها حاردیم‌ها (مفرد آن حاردی یا حارد) هستند که به شدت افراطی و مذهبی بوده و در برخی منابع از آنان به عنوان "فرا ارتدوکس" یا "ارتدوکس افراطی" یاد می‌شود. بنیادگرایان وابسته به حاردیم که به شدت عملگرا هستند، - صرف نظر از اختلافات داخلی و انشعابات - امروزه در قالب احزاب آگودات اسرائیل، دیگل هتوراه، یهودیت هتوراه و شاس در عرصه سیاسی حضور داشته و دارند.

تشکیل این رژیم اختلافاتی در مورد نحوه ارتباط و تعامل با این رژیم و پاسخ‌گویی به مسائل جدید پیش آمد و در نهایت دو جریان سیاسی و غیر سیاسی در میان مذهب‌یون یهودی شکل گرفت. جریان غیرسیاسی هم‌چنان معتقد و پایبند به اصول یهودیت در شرایط تبعید باقی ماندند و جریان سیاسی با در نظر گرفتن ملاحظات عمل‌گرایانه، تفسیری متفاوت و جدید از شرایط تبعید و رستگاری ارائه داده و به تدریج رویکرد خود را تغییر دادند. در ادامه به معرفی دو جریان یاد شده خواهیم پرداخت.

بنیادگرایی منفعل: انزواگرایی سیاسی و ضدیت با صهیونیسم

این گروه از بنیادگرایان معتقدند قوم یهود همچنان در دوران تبعید به سر می‌برد و احکام دوران تبعید باید اجرا شود. آنان به استناد تورات و تلمود تشکیل کشور یهودی را با استفاده از زور و پیش از ظهور منجی گناهی بزرگ می‌دانند. این گرایش، صهیونیسم را یک جنبش مسیحایی دروغین می‌داند که تلاش می‌کند با استفاده از ابزارهای دنیوی پایان جهان را نزدیک کند. از منظر آنان یهودیان در دوران تبعید مکلفند در میان مردمان به پیام الهی که، حاملان آن هستند، رفتار کنند و می‌باید از دیگر ملت‌ها و اقوام از جهت "اخلاقی و معنوی" جدا بمانند و زیستن همچون دیگر انسان‌ها بر آنها حرام است. آنها نباید به مال‌پرستی و لذت‌پرستی روی آورند. در همین زمینه خاخام میرش معتقد است، "قوانین متعدد و پیچیده تورات تنها به اسرائیل عطا شده تا جدایی و تمایز آنان از دیگر افراد بشر تحقق یابد". البته این جدایی که میرش خواهان آن است جدایی روحی و معنوی است و نه جدایی مادی و نیز یهودیان در عین اعتقاد به خاص و برگزیده بودن؛ می‌توانند هم شهروند کشورهایی باشند که در آنجا زیست می‌کنند و هم رسالتی را که موظف به ادای آن مکلف شده‌اند، به انجام رسانند. بر این اساس استقلال قومی ملت اسرائیل هیچ‌گاه یک اصل اساسی یا یک جزء اساسی از رسالت اسرائیل نبوده است. در میان این‌ها جماعتی وجود دارند- میتناگید و ناتوری کارتا - که اصلاً به ایده اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی اعتقاد ندارند چه برسد به این که رژیم اسرائیل را ابزار مقدس خدا بدانند. میزان کناره‌گیری و عزلت‌گزینی این جوامع به حدی است که برخی (لاستیک، ۱۳۸۹: ۱۳۳) آنان را جزو بنیادگرایان محسوب نمی‌کنند. ناتوری کارتا مخالف رژیم فعلی اسرائیل است. این گروه عقیده دارند تبعید یهود به دلیل ملاحظات دنیوی بوده است و رهایی نهایی قوم یهود را مرتبط با مسائل معنوی و الهی

می‌داند. قوم یهود باید مشکلات دوران تبعید را با فروتنی بپذیرند و تجاوز به دیگران پاسخی ناشایست است. آنها خود را یهودیان ضد صهیونیستی معرفی می‌کنند که "کهن‌ترین و با ثبات‌ترین دیدگاه یهود در زمینه جنبش صهیونیسم را ارائه می‌دهند". شدت مخالفت ناتوری کارتا^۱ با رژیم اسرائیل تا حدیست که پرچم اسرائیل را در داخل و خارج اسرائیل در روزهای مقدس به آتش می‌کشند.^۲

اگر به اختصار بخواهیم اصول و عقاید- مشترک- این جریان را برشمردیم موارد ذیل قابل ذکر است:

۱. دیانت یهودی عقیده‌ای همچون مسیحیت یا اسلام نیست و پیش از آنکه یک باور دینی باشد یک شیوه زندگی است و نجات از ایمان حاصل نمی‌شود بلکه از عمل پدید می‌آید و بر یهودیان عمل به ۶۱۳ حکم تورات فرض است.

۲. منبع صدور تورات، خداوند است و اسفار پنج‌گانه موسی را خداوند در طور سینا به پیامبر خود تسلیم فرمود و موسی هم‌زمان با تورات مکتوب، توراتی شفاهی را نیز فراگرفت که بعدها تحت عنوان میشنا مدون شد.

۳. هلاخا نظامی، هم‌زمان دینی و دنیوی است که یک یهودی به هر قیمتی ملزم به اطاعت از همه نصوص آن است.

۴. تورات و فرامین آن ازلی و ابدی است و اگر میان حیات و هلاخا تعارضی پدید آید این حیات است که باید تغییر یابد.

۵. تورات به هم‌زیستی یهودیان با دیگران حکم می‌دهد؛ به شرط آن که همه چیز برابر با عقاید و احکام تورات باشد.

۶. اجرای مناسک دینی در صلاحیت فارغ‌التحصیلان مدارس دینی است و زبان عبری تنها زبان نمازگزاران است و زنان هنگام نماز نباید با مردان مختلط شوند.

۷. یهودیان قوم برگزیده خداوند هستند و مسیحی‌های نجات بخش- که از سلاله داوود است-

۱. البته لازم به ذکر است که علاوه بر ناتوری کارتا گروه‌هایی نظیر اداها خاریدیس (ادا) و جنبش ساتمار (فرقه‌ی حسیدی) نیز جزو مخالفان رژیم اسرائیل به شمار می‌آیند. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه فرمایید: جلال درخشه، کسری صادقی‌زاده (۱۳۹۳). چالش‌های ساختاری رژیم صهیونیستی (با تأکید بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی)، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به وبسایت رسمی این جنبش مراجعه شود به:

باز خواهد گشت تا مملکت اسرائیل را از نو بپا سازد. ویرانی هیکل کیفر گناهان یهود بود و تا هنگامی که خداوند گناه آنان را نبخشوده باشد بازسازی هیکل به دست مسیح میسر نخواهد شد (ماضی، ۱۳۸۱: ۱۲۶-۱۲۳).

۸. قوم یهود باید ایمان به پذیرش تبعید داشته باشند. آنان باید در هر کشوری که اقامت می‌گزینند شهروندان با وفا و میهن‌پرستی باشند.

۹. مخالفت و حتی مبارزه با رهبری مستقر، یکی از جنبه‌های قطعی و اجتناب‌ناپذیر گروه‌های متعصب مذهبی یاد شده می‌باشد. هر چند که خشم آنها متوجه گناهکاران است اما سرانجام به انتقاد از رهبران حاکم می‌انجامد (ژیلبراشترین، ۱۳۸۹: ۱۹۵).

اکثر گروه‌ها و جریانات یاد شده، از ضعف سازمانی جدی رنج می‌برند و با توجه به پراکندگی و عدم رهبری منسجم توان چندانی ندارند و از آن جایی که دولت اسرائیل را نیز به رسمیت نمی‌شناسند حضور و بروز موثری در عرصه سیاسی و رسمی ندارند. آنان کمک‌های دولتی را نمی‌پذیرند و در انتخابات نیز شرکت نمی‌کنند. در عرصه غیر رسمی هم محدود به جوامع خود هستند و در انحصار و انزوایی خودخواسته به سر می‌برند. این گونه از بنیادگرایی عملاً تأثیر جدی بر سیاست‌های اسرائیل ندارد.

بنیادگرایی عمل‌گرا؛ فعال سیاسی (از تردید تا پذیرش صهیونیسم)

پس از استقرار رژیم اسرائیل در ۱۹۴۸، واقعیت سیاسی و نیاز مالی، اشکالی از همکاری با دولت را تحمیل کرد. به عنوان نمونه حتی افراطی‌ترین جریانات ضدصهیونیست نمی‌توانستند از سیاست دولت در مورد ازدواج حمایت نکنند (ژیلبراشترین، ۱۳۸۹: ۱۹۱). امروزه هزاران نفر از گروه‌های متعصب مذهبی (اعم از حاردی و غیر حاردی) از سازمان‌هایی که غذای حلال و سایر نیازهای دینی را تأمین کرده، حمایت می‌کنند و در این جا مواضع ضدصهیونیستی نادیده انگاشته می‌شود. این گروه از بنیادگرایان یهودی در بسیاری از عقاید بنیادگرایانی که پیش از این ذکر شد (بنیادگرایان منفعل)، اتفاق نظر دارند- به خصوص این که قوم یهود در شرایط تبعید به سر می‌برد، اما در مواضع و عقاید سنتی خود توقف نکرده و بنا به ملاحظات آشکار عمل‌گرایانه و تأثیر پذیرفتن از ساختار سیاسی اجتماعی رژیم صهیونیستی^۱، دولت و گفتمان صهیونیستی را به

۱. در قالب گفتمانی از آن به عنوان "تأثیر زمینه بر گفتمان" یاد می‌شود.

عنوان یک واقعیت و عمل انجام شده، پذیرفته و تمایل دارند در این چارچوب فعالیت کنند. بسیاری از جریان‌ها یاد شده، حتی فراتر از این عمل کرده و به دنبال ابزاری برای اعمال نفوذ عمومی و سیاسی در ساختار اسرائیل هستند. آنان به احزاب دست راستی گرایش زیادی دارند و احزاب نیز متقابلاً برای جلب حمایت جریان‌های دینی، به آنان خدمات می‌دهند. البته این گونه از بنیادگرایی زیر مجموعه صهیونیسم مذهبی و بنیادگرایی موعود باور که می‌خواهد مشروعیت رژیم اسرائیل را در قالب گفتگوانی مسیحایی توجیه کند، قرار نمی‌گیرد زیرا این گروه‌ها همچنان به دوران تبعید قوم یهود اعتقاد دارند و با اتخاذ موضعی کاملاً عمل‌گرایانه این هدف را دنبال می‌کنند که "کدام عمل و رویکرد بیشتر زندگی یهودیان را نجات می‌دهد". از همین رو آنان به ذات چپ‌گرا یا راست‌گرا نیستند، بلکه از گروهی حمایت می‌کنند که منافع آنان را بیشتر تأمین کند (درخشه و حسینی فائق، ۱۳۹۶: ۲۶۱-۲۵۴).

به عقیده پژوهشگران یهودی، این گونه از بنیادگرایی، با فاصله گرفتن از برخی عقاید صرفاً مذهبی و دینی خود، امروزه تمایل کمتری به برپایی یک جامعه کاملاً یهودی مطابق با شریعت یهود دارد و بیشتر به دنبال مشارکت در ساختار سیاسی اسرائیل است. البته به صورت آشکار سعی می‌کند فاصله خود را با قدرت حاکم حفظ کند. در همین راستا درجاتی از انزوا و کناره‌گیری از جریان اصلی اجتماع در آنان قابل مشاهده است. آنان به دلایل عقیدتی و سیاسی از خدمت سربازی سرباز می‌زنند و از آن جایی که حق اشتغال در اسرائیل منوط به گذراندن خدمت سربازی است، میزان بیکاری در میان آنها بالاست. همچنین آنان به دلیل جوامع بسته خود از آموزش‌های مدرن به دور بوده‌اند که مانعی جدی برای ورود آنان به بازار کار محسوب می‌شود. البته به تدریج با توجه به بالا رفتن میزان فقر، مشارکت داوطلبانه برای خدمت نظامی در ارتش افزایش یافته است (Pfeffer, 2014). در میان گروه‌های بنیادگرا و گونه بنیادگرایی عملگرا، بخشی از حارديم جامعه اسرائیل چنین مواضعی دارند.

همانطور که پیش از این گفته شد از آنجایی این گونه از بنیادگرایان معتقدند هنوز فرایند رستگاری آغاز نشده و در این شرایط حفظ جان یهودیان اولویت دارد لذا به واگذاری بخشی از سرزمین به فلسطینیان یا صلح موقت (از منظر دینی و مذهبی) مخالفت نمی‌کنند. نکته قابل تأمل این است که در این گونه مواضع، چپ‌ها و طرفداران صلح از گروه‌های بنیادگرا حمایت می‌کنند (Shahak, 2004: 20-22). هرگاه دولت اسرائیل در موضع ضعف بوده این باور

بنیادگرایانه مجدداً در کانون توجهات قرار گرفته که در شرایط تبعید، احکام خاص آن دوران حاکم است و رژیم اسرائیل اقدامات خود را به خصوص درباره عقب‌نشینی یا واگذاری اراضی بر این مبنای دینی توجیه کرده است و هرگاه که دولت اسرائیل در موضع قدرت قرار داشته، نه تنها سوگندهای یاد شده به فراموشی سپرده شده‌اند بلکه این مطلب که در دوران تبعید هستیم انکار شده و برای مشروعیت بخشی به اقدامات دولت، به عقاید گروه دیگری از بنیادگرایان (بنیادگرایان صهیونیستی) استناد شده است.

در هر حال امروزه هر چند که هنوز هم جوامعی از حاردیم در انزوایی خودخواسته در شهرک‌ها و دور از شهرها زندگی می‌کنند اما با این وجود، این بنیادگرایان در قالب احزاب سیاسی به صورت رسمی در عرصه‌ی سیاسی حضور یافته‌اند و حضور مستمر در انتخابات دارند و از این مجرا خواسته خود را پیگیری می‌کنند. احزاب آگودات اسرائیل^۱، پرچم تورات (دیگل هاتوراه^۲)، شاس و اتحاد یهودیت توراتی^۳ (ائتلاف پرچم تورات و آگودات اسرائیل) منعکس کننده این گروه‌های بنیادگرا هستند^۴ که در سال‌های اخیر شاس و اتحاد یهودیت توراتی حضور فعالی در صحنه سیاست و پارلمانی دارند.

بنیادگرایی موعودباور

تمایز اصلی بنیادگرایی موعودباور با انواعی که پیش از این ذکر شد این است که آنان با ارائه تفسیری متفاوت از منابع مقدس یهودی معتقدند که اکنون در آغاز دوران رستگاری قرار داریم که نهایت آن ظهور منجی است. بر این اساس، آنان معتقدند که یهودیان قوم برگزیده خداوند هستند و باید از سایر اقوام که عمدتاً در درجه‌ای پایین‌تر از یهودیان قرار دارند جدا باشند. لذا بهترین مکان برای سکونت قوم یهود، سرزمینی است که خداوند به قوم خویش بخشیده و سوگند خورده که این سرزمین برای همیشه در اختیار یهودیان باشد. لذا سکونت در این سرزمین یکی از آموزه‌های دینی محسوب می‌شود و یهودیان سرتاسر جهان باید به هر نحو ممکن خود را به آنجا برسانند تا از این موهبت الهی برخوردار شوند. این گروه از یهودیان،

1. Agudat Yisrael
2. Degel HaTorah
3. United Torah Judaism (UTJ)

۴. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منابع مراجعه شود به:

Filc, Dani, (2010), *The Political Right in Israel: Different Faces of Jewish Populism*, Routledge.
Pedahzur, Ami, (2012), *The Triumph of Israel's Radical Right*, Oxford University Press

اعتقادی به دوران تبعید و سوگندهای سه گانه نداشته و معتقدند دوران رستگاری آغاز شده است.

خاخام موشه بن نحمان می‌گوید: اسرائیل مرکز عالم و اورشلیم نیز قلب اسرائیل است و این سرزمین تنها جایی است که در آن بشریت به کمال می‌رسد و سکونت در این سرزمین فریضه الهی بوده و نه تنها یکی از واجبات ۶۱۳ گانه است بلکه با همه آنها برابری می‌کند. انجام این فریضه راه را برای ظهور مسیح نجات بخش هموار می‌سازد. خاخام کوک نیز معتقد است: از این منظر جنبش صهیونیسم پیش در آمد ظهور منجی به شمار می‌رود و آن، "دست خدا که وظیفه آسمانی نجات را انجام می‌دهد" خوانده شده است (به نقل از ماضی، ۱۳۸۱: ۱۴۵-۱۳۵).

در باور این گونه از بنیادگرایی، رستگاری نهایی آغاز شده و این یهودیان هستند که باید با مشارکت در مسیر ساختن تاریخ، به خداوند کمک کنند و اراده الهی را جاری سازند. مشارکت در اسکان در سرزمین فلسطین و ساختن اورشلیم و معبد مقدس از اقدامات مهم در کمک به این روند نجات بخش محسوب می‌شوند. به یهودیان سفارش شده که باید پادشاهی خود را در سرزمین مقدس بنا کرده و با اجرای قوانین الهی منتظر ظهور منجی بمانند. نکته قابل تأمل اینجاست که بنیادگرایان یاد شده، از ذات سکولار جنبش و دولت صهیونیسم غافل نیستند و به خوبی از آن آگاهی دارند اما معتقدند اگرچه صهیونیست‌های سکولار عوامل نادان اراده الهی هستند اما در نهایت بخشیده می‌شوند چون در روند رستگاری مشارکت دارند. شکل‌گیری آنان بر اساس خواست خداوند بوده و آنها بدون اینکه خود بدانند برنامه‌های الهی را اجرا می‌کنند. در نتیجه این روند، صهیونیسم سکولار، دولت اسرائیل و جامعه سکولار آن به عنوان بخشی از روند رستگاری مشروعیت مذهبی پیدا خواهند کرد. همه این موارد حتی در بی‌حرمت‌ترین و بدترین حالتشان دارای تقدس ویژه‌ای هستند. دولت اسرائیل مبنایی بر حکومت خداوند بر روی زمین است و به مثابه پیوند بین خداوند و زندگی مادی قلمداد می‌شود. براساس این نگاه، دشمنان اسرائیل دشمنان خداوند بوده و پیروزی‌های نظامی اسرائیل، به نوعی نشان‌دهنده‌ی تعالی معنوی در آسمانهاست. بنیادگرایان یهودی، برای مشروعیت بخشی این اعتقاد خود، شواهد دینی و تاریخی را ذکر می‌کنند. به عنوان مثال در ساخت معبد اول، کارگران و افراد غیر روحانی اجازه داشتند به همه نقاط آن سرکشی کنند و حتی مقدس‌ترین بخش آن نیز از این قاعده مستثنی نبود. این وضعیت را گمارا این گونه تفسیر می‌کند: "ابتدا خواهند ساخت و سپس تقدیس و تطهیر

خواهند شد." براساس همین قاعده، هر چند که دولت اسرائیل مقدس نیست اما زمانی که منجی ظهور کند آن هم تطهیر خواهد شد لذا در حال حاضر باید برای آن حرمت قائل شد (Weitzman, 2004: 85-90).

این گروه از بنیادگرایان معتقدند بی‌ارادگی و سکون تبعیدی و حرمت سوگندهای سه گانه به پایان رسیده و اکنون زمان آن است که برای ظهور منجی تلاش شود. ظهور منجی، در یک فرایند خود به خودی صورت نمی‌پذیرد بلکه ابتدا باید زمینه آن مهیا شود (Friedman, 1993: 127-131). در این برهه مواضع بنیادگرایان در قبال سرزمین مقدس بدین صورت است که صرف نظر کردن از هر قسمت سرزمین می‌تواند منجر به وقفه و یا حتی توقف کامل در روند رستگاری شود. در عصر رستگاری مسیحایی، تصرف کل سرزمین موعود و ندادن حتی بخش کوچکی از آن به غیر یهودیان جزو واجبات به شمار می‌رود.

در مجموع نکات اصلی در ایدئولوژی و باورهای بنیادگرایی موعود باور عبارتند از:
() اکنون زمان رستگاری آغاز شده و هنگام آن فرا رسیده که تمام قوانین هلاخا که مربوط به دوره آخرالزمان بوده‌اند اجرا شوند.

() رستگاری روندی خطی و غیرقابل بازگشت است که به تقدیر الهی آغاز می‌شود و با ظهور منجی به اوج خود می‌رسد. البته این امکان وجود دارد که موانعی در این مسیر ایجاد شود اما در هر حال تسلیم و توقف وجود ندارد.

() در مورد رژیم فعلی صهیونیستی، مشروعیت دینی و تقدس آن، اختلافاتی میان بنیادگرایان وجود دارد. اگر چه اغلب بنیادگرایان دولت را از این حیث مشروع می‌دانند که ظهور منجی را سرعت می‌بخشد و در نهایت توسط منجی تطهیر خواهد شد اما اگر دولت از مسیر رستگاری منحرف شود، باید با آن مقابله کرد. جریان‌ات بنیادگرا با سیاست‌های دولت در قبال تخلیه یا عقب نشینی از شهرک‌های اشغالی یا هرگونه صلح با اعراب، به صراحت و شدت مخالفت و مقابله می‌کنند. اقدامات اسحاق رابین، در امضای پیمان اسلو و صلح با اردن و عادی سازی روابط با کشورهای عربی، موجب ترور وی به دست بنیادگرایان افراطی شد.

() قوم یهود، سرزمین موعود و تورات یک کل مقدس و متحد به شمار می‌روند و تلاش برای حصول وحدت میان این سه بخش وظیفه‌ی یهودیان به شمار می‌رود.

() تسلط قوم یهود بر سرزمین موعود، موجب رهایی یهودیان از نیروهای شیطانی و اهریمنی

خواهد شد و قوم را به سوی تقدس مطلق و پیروزی بر زندگی مادی رهنمون خواهد ساخت.
 (در ارتباط با اقوام غیر یهودی به خصوص اعراب، اگر حاکمیت قوم یهود را بپذیرند امکان زندگی آنان وجود خواهد داشت و در غیر این صورت باید سرکوب و اخراج شوند.
 (بازسازی معبد (سوم)، جزو مراحل نهایی و ضروری رستگاری است.
 (جنگ‌های اسرائیل با دشمنانش، آخرین صحنه نبرد میان خیر و شر در جهان هستی است که خداوند طی این نبردها، شیطان و ارواح خبیث را که همان مخالفان و دشمنان اسرائیل هستند، شکست می‌دهد. جنگ‌های یاد شده فقط علیه اعراب نیست بلکه علیه همه فرهنگ‌های سکولار، منحط و غیر الهی ادامه خواهد یافت (Lustic, 1988) به نقل از (Zeidan, 2006: 231-233).
 بنیادگرایان موعود باور در عین مشابهت در هدف و تشخیص ظرف زمانی و مکانی، در اجرای راهبرد خود، ابزارها، مراحل و چگونگی پیگیری اهداف اختلاف نظر دارند و بر همین مبنا به دو گروه تقسیم می‌شوند:^۱

الف- دسته نخست با رویکردی نسبتاً میانه‌رو معتقدند رستگاری به یک‌باره اتفاق نمی‌افتد و دارای مراحل تدریجی است از همین رو به اقدامات انقلابی و یک‌باره اعتقاد ندارند.
 ب- دسته دوم رویکردی بسیار افراطی دارند و طرفدار خشونت، اقدامات قهری و انقلابی بیشتری هستند. آنان گمان می‌کنند، از سوی خداوند به شخصه مورد خطاب قرار گرفته‌اند تا ضمن اجرای دستورات کتاب مقدس، همه مخالفان را متنبه ساخته و هدایت کنند و روند رستگاری را پیش برده و در نهایت معبد سوم را بنا کنند. گروه‌هایی نظیر "گوش آمونیم"^۲، "کاخ"^۳، "کاهن چای"^۴، "مومنان کوه معبد"^۵ و "موسسه معبد"^۶، در این دسته قرار می‌گیرند.
 نظرات بنیادگرایان موعود باور در ساختار سیاسی اسرائیل از سوی احزابی مانند مذهبی ملی، مولیدیت، تزومیت و بسیاری از اعضای حزب لیکود بیان می‌شود و از آنان به عنوان بزرگترین موانع صلح اعراب و اسرائیل یاد می‌شود. بنیادگرایان موعود باور در حد توان، به دولت و

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه به این منبع مراجعه شود به:

Don-Yehiya, Eliezer, (2014), "Messianism and Politics: The Ideological Transformation of Religious Zionism", Israel Studies, Vol. 19, No. 2, Special Issue: Zionism in the 21st Century (Summer 2014)

2. Gush Emunim
 3. Kach
 4. Kahane Chai
 5. Faithful Mount
 6. The Temple Institute

نهادهای دولتی احترام می‌گذارند و همان‌طور که پیش از این گفته شد حتی گاهی از این باب که در جهت مسیر رستگاری و تحقق دولت آرمانی یهود است، آن را مقدس می‌دانند. اما با این وجود به صراحت اذعان دارند که، "دولت اسرائیل به اندازه سرزمین اسرائیل مقدس نیست" و برخلاف تثلیث مقدس (مردم، سرزمین و تورات) که همیشگی و مطلق است، تقدس دولت، مشروط و نسبی است. این گونه از بنیادگرایان که در آغاز تأسیس رژیم اسرائیل در قالب گروه‌های سازمان نیافته و خشونت طلب و افراطی محسوب می‌شدند و در اقلیت قرار داشتند، به رغم وجود مشکلات زیاد توانسته‌اند به تدریج جایگاه خود را مستحکم کنند و از نهادهای خودسر، به گروه‌هایی سازمان یافته تبدیل شوند. آنان توانسته‌اند در هنگام بروز بحران، تفکرات و ایدئولوژی خود را تبلیغ کنند و با استقبال خوبی مواجه شده‌اند. با توجه به پایگاه گسترده اجتماعی و نفوذ در سطوح مختلف سیاسی اجتماعی، امروزه احزاب و سیاستمداران اسرائیل به خصوص جریان‌های راست و مذهبی ناگزیر به در نظر داشتن خواسته‌ها و برنامه‌های آنان هستند و در عمل به آنها خدمات می‌دهند.

نتیجه‌گیری

براساس آنچه که گفته شد، بنیادگرایی یهودی بر مبنای اختلاف نظری که در مورد تفسیر یک آموزه دینی کهن دارند، به سه جریان اصلی "بنیادگرایان منفعل"، "بنیادگرایان عملگرا" و "بنیادگرایان موعود باور" تقسیم می‌شوند. از دیدگاه بنیادگرایی یهودی، این که قائل به دوران تبعید یا دوران بازگشت باشیم اقتضائات خاص خود را دارد و بر آن احکام مختلفی بار می‌شود و علاوه بر این‌ها، اهداف و تکالیف نیز متفاوت است. در این شرایط روشن است که هر یک از انواع بنیادگرایی تعامل متفاوتی نسبت به سایر گونه‌ها با جامعه و دولت اسرائیل داشته باشد. البته نکته قابل تأمل در مورد گونه‌های مختلف بنیادگرایی یهودی این است که در عین این که اکثریت آن‌ها اصول و باورهای خود را منتسب به سایر گونه‌ها با جامعه و دولت اسرائیل داشته باشد. البته موجود در تفاسیر خاخامی متفاوت - و بعضاً تشخیص مقتضیات زمانی و مکانی - دانسته می‌شود؛^۱ نباید از نقش آفرینی سیاست و به طور خاص رژیم صهیونیستی در جهت‌دهی به تفاسیر

۱. البته اختلاف تفسیری میان گونه‌های مذکور منجر به اختلاف در هدف نشده و در یک نگاه کلی، اهداف غایی آنان یکسان به نظر می‌رسد. آنان تنها در ظرف زمانی و مکانی تحقق اهداف و نیز تاکتیک مورد نظر برای رسیدن به هدف، اختلافاتی دارند.

مختلف و حتی ابداع آن - غافل شد. به بیان واضح‌تر - همان طور که پیش از این بحث شد - بسیاری از گروه‌های بنیادگرا، به جهت باقی ماندن در عرصه قدرت، دریافت کمک مالی، توسعه شبکه طرفداران و سایر ملاحظات عملگرایانه، امروزه به صورت تاکتیکی یا راهبردی تفاسیر جدیدی را پذیرفته یا ارائه می‌دهند که در آن رژیم اسرائیل از یک موجودیت نامشروع مطلق، حداقل به یک شر لازم یا پیش درآمد دولت آرمانی مبدل شده است و این بارزترین نمود تأثیرپذیری گفتمان بنیادگرایی از زمینه (ساختار سیاسی و اجتماعی رژیم صهیونیستی) است. البته با توجه به خصیصه‌گزینش‌گری، عملگرایی و جایگاه رهبران مذهبی در تفاسیر آموزه‌های دینی، تناقضات نظری در اصول نظری و عملی آنها به چشم می‌خورد و بر همین اساس تضمینی برای تداوم وضعیت یاد شده و دست‌بندی‌های موجود وجود ندارد؛ به واسطه‌ی عملگرایی زیاد و نیز دخالت و نقش آفرینی سیاست‌های رژیم صهیونیستی ممکن است، در دهه‌های آینده شاهد ادغام، انشعاب یا تشکیل گونه‌های جدید بنیادگرایی یهودی باشیم؛ وضعیتی که امروزه نیز در احزاب اسرائیل به وضوح قابل مشاهده است و این احتمال منطقی وجود دارد که تحت تأثیر شرایط سیاسی اجتماعی اسرائیل گونه‌های بنیادگرایی یهودی نیز دچار تغییراتی شوند.

منابع

الف - فارسی

- آسابرگر، آرتور، (۱۳۷۹)، *روش‌های تحلیل رسانه*، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.
- المسیری، عبدالوهاب، (۱۳۷۸)، *گروه کارکردی یهودی و دولت کارکردی صهیونیست*، ترجمه امیر محمد حاجی یوسفی، شماره ۲.
- پاکتچی، احمد و حسین هوشنگی، (۱۳۹۰)، *بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان های دینی*، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).
- ژیلبرشتاین، لاورنس یُت، (۱۳۸۹)، *بنیادگرایی یهودی*، ترجمه شجاع احمدوند، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- درخشه، جلال و کسری صادقی زاده، (۱۳۹۳)، *چالش‌های ساختاری رژیم صهیونیستی (با تاکید بر آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی)*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- درخشه، جلال و سیدمحمد مهدی حسینی فائق، (۱۳۹۶)، *بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل (سرگردانی میان بازگشت و تبعید)*، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- گل محمدی، احمد، (۱۳۸۳)، *جهانی شدن فرهنگ، هویت، تهران: نشرنی.*
- گیدنز، آنتونی، (۱۳۸۲)، *فراسوی راست و چپ*، محسن ثلاثی، تهران: علمی.
- لاستیک، یان، (۱۳۸۹)، *سیاست، نهادها و فرهنگ گوش آمونیم*، در: ژیلبرشتاین، لاورنس (۱۳۸۹). *رویکرد مقایسه ای به بنیادگرایی یهودی*، احمدوند، شجاع، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- ماضی، محمد، (۱۳۸۱)، *دین و دولت در اسرائیل*، ترجمه سید غلامرضا تهامی، تهران: سنا.
- موحدیان عطار و دیگران، (۱۳۸۸)، *گونه‌شناسی اندیشه منجی موعود در یهودیت: گونه شناسی اندیشه منجی موعود در ادیان، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.*
- هی وود، آندره، (۱۳۷۹)، *درآمدی برایدئولوژی‌های سیاسی*، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- یتیس، کایل، (۱۳۷۴)، *دین یهود در جهان مدهبی*، جلد دوم، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

ب - انگلیسی

- Almond GA, Appleby RS, Sivan E, (2003), *Strong Religion: The Rise of*

Fundamentalisms around the World, Chicago: University Chicago Press.

- Barker e, (1999), in: *b vilson & j. cresswell (eds) New Religious Movement*, London: Routledge.

- Das Judentum, (1902), in: *Kohler, Kaufmann (2011). CHOSEN PEOPLE, Jewish Encyclopedia*, in: <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/4355-chosen-people>.

- Don-Yehiya, Eliezer, (2014), "Messianism and Politics: The Ideological Transformation of Religious Zionism", *Israel Studies*, Vol. 19, No. 2.

- Dulles, A. (2003), "Fundamentalism", *New Catholic Encyclopediam 2 nd ed.*, V. 6.

- Emerson Michael and David Hartman, (2006), "The Rise of Religious Fundamentalism", *Annual Review of Sociology*, Vol. 32.

- Filc, Dani, (2010), *The Political Right in Israel: Different Faces of Jewish Populism*, Routledge.

- Friedman, Menachem, (1993), *Jewish Zealots: Conservative Versus Innovative*, in: *Silberstein J Laurence (Ed) (1993), Jewish Fundamentalism in Comparative Perspective, chapter9*, New York: New York University Press.

- Graetz, Michael (2008), *Encyclopedia Judaica: Good & Evil*, in: <http://www.jewishvirtuallibrary.org/good-evil>.

- Harris, H.A, (1998), *Fundamentalism and Evangelicals*, Oxford: Oxford University Press.

- Juergensmeyer M, (2003), *Terror in the Mind of God: The Global Rise of Religious Violence*, Berkeley: University Calif. Press. 3rd Ed.

- Kohler, Kaufmann, (2011). *CHOSEN PEOPLE, Jewish Encyclopedia*, in: <http://www.jewishencyclopedia.com/articles/4355-chosen-people>.

- Koller, Aron, (2014), *Esther in Ancient Jewish Thought*, New York: Yeshiva University.

- Lustick, Ian, (1988), *For the Land and the Lord: Jewish Fundamentalism in Israel*, New York: Council on Foreign Relations Press.

- Marti, J. L, (2007), *Religious Fundamentalism and Deliberative Democracy. Democracy and Fundamentalism*, 3.in: http://www.tampereclub.org/e-publications/vol3_marti.pdf (last access in: 17/5/2017).

- Munson, Henry, (2014), Fundamentalism, in: [http:// www. britannica. com/ EBchecked/topic/1191955/fundamentalism](http://www.britannica.com/EBchecked/topic/1191955/fundamentalism).

- Pfeffer, Yehoshua, (2014), *Five-and-a-Half Myths about Ultra-Orthodox Jews*, in: <http://mosaicmagazine.com/response/2014/12/five-and-a-half-myths-about-ultra-orthodox-jews/>.

- Pedahzur, Ami and Leonard Weinberg, (2005), *Religious Fundamentalism and Political Extremism*, London: Frank Cass.
- Pedahzur, Ami, (2012), *The Triumph of Israel's Radical Right*, Oxford :University Press.
- Shahak, Israël, Mezvinsky, Norton, (2004), *Jewish fundamentalism in Israel*, Pluto Press.
- Salzman, Michael, (2008), "Globalization, Religious Fundamentalism and the Need for Meaning", *International Journal of Intercultural Relations*, Volume 32, Issue 4.
- Silberstein .J, Laurence, (Ed) (1993), *Jewish Fundamentalism in Comparative Perspective*, New York: New York University Press.
- Weitzman, Gideon, (2004), *In those days, at this Time: Essays on the Festivals, Based on the Philosophy of Rav Kook*, Jerusalem: Grow Publications.
- Zeidan, David, (2006), "Jerusalem in Jewish Fundamentalism", *Evangelical Quarterly*, Vol. 78 Issue 3.